

تجربه قبل از ازدواج (آشنایی، نامزدی، عقد) متقاضیان طلاق: تحلیلی پدیدار شناسانه

عباس رحمتی^۱، حبیبه بهرامی نژاد^۲

مقاله پژوهشی

چکیده

مقدمه: به دلیل اثرات منفی که طلاق به دنبال دارد، بررسی دلایل آن برای درمانگران و پژوهشگران از اهمیت خاصی برخوردار است؛ بنابراین پژوهش حاضر باهدف بررسی نقش رویدادهای قبل از ازدواج (آشنایی، نامزدی، عقد) در بروز تعارضات زناشویی منجر به طلاق صورت گرفت. **روش:** این مطالعه به صورت کیفی و با روش پدیدار شناختی انجام شد. نمونه‌گیری به روش هدفمند و از طریق مصاحبه نیمه ساختاریافته با ۲۳ نفر از افراد متقاضی طلاق؛ که از سوی دادگاه خانواده برای دریافت خدمات مشاوره‌ای به مراکز مشاوره سطح شهر کرمان ارجاع داده شده بودند صورت گرفت. داده‌ها در پایان به روش Moustakas تجزیه و تحلیل شد. **یافته‌ها:** تجزیه و تحلیل مصاحبه‌های نشان داد؛ در دوره‌های پیش از ازدواج پیش آینده‌های ویژه‌ای برای طلاق وجود داشت. این پیش آینده‌ها در قالب ۲ کد اصلی علل زمینه‌ساز تعارض و علل افزایش تعارض دسته‌بندی شدند. **نتیجه‌گیری:** این یافته‌ها در بردارند تلویحاتی برای زوج درمانگران و مشاوران خانواده بود؛ که می‌توان در ارائه خدمات مشاوره پیش از ازدواج مدنظر قرار گیرند.

کلیدواژه‌ها: دوره‌های قبل از ازدواج، تعارضات زناشویی، طلاق

ارجاع: رحمتی عباس، بهرامی نژاد حبیبه. تجربه قبل از ازدواج (آشنایی، نامزدی، عقد) متقاضیان طلاق: تحلیلی پدیدار شناسانه.

مجله تحقیقات کیفی در علوم سلامت ۱۳۹۸؛ ۸(۱): ۸۲-۶۸

تاریخ چاپ: ۹۸/۳/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۷/۲/۱۰

تاریخ دریافت: ۹۵/۶/۲۸

۱- دانشجویار، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران
۲- کارشناس ارشد، گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران
نویسنده مسئول: عباس رحمتی
Email: abr288@gmail.com

مقدمه

ازدواج در گذشته به دلیل فراهم آوردن سرپناه، ثبات، ایمنی اقتصادی و فرصت برای رشد کودکان ارزشمند شمرده می‌شد؛ اما در سال‌های اخیر ناشاد بودن ازدواج و فراوانی تعارض از جمله عواملی است؛ که موجب کاهش جذابیت ازدواج گردیده و می‌توانند فروپاشی ازدواج را پیش‌بینی نمایند (۱). علاوه بر این؛ دیدگاه افراد نسبت به موانع ترک ازدواج نیز تغییر کرده است و طلاق را آسوده‌تر می‌پذیرند (۲). آمارها نشان می‌دهند که تقریباً ۲۱ درصد از ازدواج‌ها در دو سال نخست زندگی مشترک، پایان می‌یابند و ۴۰ درصد در طی چهار سال بعدی دچار چنین سرنوشتی می‌شوند (۳).

طلاق تبعاتی برای فرزندان و والدین دارد، به گونه‌ایی که در بزرگسالان ممکن است به شرایط مطلوبی که امید دارند بعد از طلاق حاصل شود دست نیابند. طلاق مسیری طولانی و پریچ و خم دارد که می‌تواند سال‌ها قبل از ازدواج آغاز شود (۴). در هر مرحله از چرخه زندگی، رشد خانواده وابسته به اجرای تکالیف خاصی است، اگر این تکالیف ناقص، سرکوفته و مختل شوند، تحول خانواده گرفتار مشکل خواهد شد (۵). افرادی که برای سازگاری با نقش‌های زناشویی فرصتی نداشته‌اند در زندگی زناشویی خود با چالش روبرو خواهند شد (۴). افراد ممکن است در مورد ازدواج و تعهدات درازمدت عاطفی و اجتماعی آن، درک کاملی به دست نیاورده باشند؛ و در نتیجه آمادگی لازم برای پیشگیری و حل مسائل را نداشته باشند (۴). یکی از مراحل که افراد باید به سلامت از آن عبور کنند مراحل قبل از ازدواج و یا آشنایی افراد است. به عقیده برخی از پژوهشگران سال‌های اول ازدواج از مقاطع مهم چرخه زندگی مشترک است؛ که در آن سطح تعارض و اختلافات افزایش می‌یابد (۶). نظریات رشدی و ساخت‌نگر هم بر بروز تعارضات بین فردی در این مرحله از چرخه زندگی، به دلیل تغییر در الگوهای رفتاری، قواعد و انتظارات برگرفته از خانواده‌های اصلی تأکید دارند (۷).

اگرچه دوران نامزدی تجارب رشدی زیادی مانند مصاحبت، تعامل باز و حمایت عاطفی برای زوجین فراهم می‌آورد؛ اما اغلب زوجین به دلیل شرایط خاص این دوران در معرض تعارض و خسونت قرار می‌گیرند (۸). محقق نشدن

باورهای ذهنی که افراد قبل از ازدواج دارند، می‌تواند بر روی روابط همسران اثرات مثبت و یا منفی داشته باشد (۹)؛ از این رو بنا به گفته Straus، احتمال بروز تعارض در دوران نامزدی بسیار زیاد است (۱۰)؛ و احتمال بروز مجدد این تعارضات در دوران بعد از ازدواج افزایش می‌یابد (۱۱). در همین راستا اسمعیلی و دهدست، در بررسی کیفی تعارضات دوران نامزدی و ارتباط آن با رضایت زناشویی به این نتیجه رسیدند؛ که نحوه تعامل افراد در دوران نامزدی زمینه‌ساز رضایت و یا عدم رضایت زناشویی در مرحله بعد از ازدواج است (۱۲).

افراد در دوره آشنایی در صورت نداشتن مهارت‌های مقابله‌ای، ممکن است به خود آسیب بزنند؛ یا اینکه برای به دست آوردن توجه یکدیگر، ترس‌ها، نگرانی‌ها و افکار خود را متوقف سازند (۱۳). در صورتی که پژوهش‌ها رضایت زناشویی را به مؤلفه‌هایی مانند، ازدواج با فرد مورد علاقه، داشتن تعهد، بذله‌گویی، توانایی رسیدن به توافق، داشتن جهت‌گیری‌های مذهبی یکسان (۱۴) سن و معنویت (۱۵) و انجام کارهایی برای همسر (۱۶) مرتبط می‌دانند. فقدان چنین مؤلفه‌های مثبتی با ارتباط ضعیف‌تر و صمیمیت کمتر همراه بوده (۱۷)؛ و رضایت زناشویی زوجین را کاهش می‌دهد (۱۸). پیامد چنین فقدان‌هایی آگاهی از جو عاطفی حاکم (۱۹)؛ و نظارت بر کیفیت عاطفی روابط است (۲۰)؛ که این عمل منجر به افزایش نارضایتی و طلاق می‌گردد. در همین راستا شواهدی هم وجود دارد که نشان می‌دهد به دنبال طلاق، سلامتی افراد رو به وخامت می‌نهد (۲۱)؛ استرس و فقدان منابع حمایتی ناشی از طلاق، ارتقاء سلامتی فرد و جامعه را در معرض مخاطره قرار می‌دهد (۲۲)؛ بنابراین برای پیشگیری از طلاق، انجام پژوهش‌هایی در زمینه عوامل زمینه‌ساز این پدیده مطلوب به نظر می‌رسد.

با شناسایی و از بین بردن عوامل زمینه‌ساز تعارض زناشویی، می‌توان به زوجین کمک کرد؛ که مبنای مناسب‌تری را برای رضایت و سازگاری زناشویی خود ترسیم کنند. همچنین می‌توان با آگاه ساختن نقش این رویدادهای تعارض ساز در روابط بعدی زوجین، از تأثیر منفی این روابط کاست. با توجه به این مطالب، پرسش اصلی پژوهش حاضر

مشترک بود. رویکرد پدیدارشناسی که در پژوهش فعلی مورد استفاده قرار گرفت؛ پدیدارشناسی متعالی (Transcended Moustakas (Phenomenology بود. مشارکت‌کنندگان در این پژوهش زوجین متقاضی طلاق بودند؛ که در سال ۹۵-۱۳۹۴ از سوی دادگاه‌های خانواده، برای مشاوره طلاق به مراکز مشاوره شهر کرمان ارجاع داده شده بودند، این افراد در مراکز مشاوره باید در سه جلسه مشاوره طلاق شرکت می‌کردند. نمونه مورد مطالعه شامل ۲۳ نفر بود؛ که به صورت هدفمند انتخاب شدند. از این افراد خواسته شد تا اطلاعات مربوط به تجربه دوران قبل از ازدواج خود را به یاد بیاورند. نمونه‌گیری تا زمان اشباع پاسخها ادامه یافت. البته پاتن بر این باور است که اعتبار، معناداری و بینش ایجاد شده در پژوهش کیفی، نیازمند کار بیشتری بر روی اطلاعات غنی برآمده و قابلیت‌های مشاهده‌ای/تحلیلی پژوهشگر است؛ تا حجم نمونه و منطبق استفاده از نمونه کوچک به دلیل غنای اطلاعات است (۱۳). ویژگی‌های دموگرافیک مشارکت‌کنندگان در پژوهش در جدول ۱ آورده شد.

به این صورت مطرح می‌گردد: علل زمینه‌ساز تعارض در دوران پیش از ازدواج در میان زوج‌ها چه مواردی است و چگونه با تعارضات زناشویی منجر به طلاق ارتباط می‌یابد. از آنجاکه پژوهش‌های کیفی، متمرکز بر روی الگوها و مسائلی هستند که در چگونگی معنا دادن افراد به تجاربشان نقش دارند؛ از این رو در پژوهش حاضر برای معنا دادن به تجربه افراد متقاضی طلاق، باهدف تعیین علل زمینه‌ساز تعارض در دوران قبل از ازدواج؛ همچنین ارتباط آن با تعارضات زناشویی منجر به طلاق، در میان زوجین متقاضی طلاق از روش کیفی استفاده شد.

روش

رویکرد مورد مطالعه در این پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی است. روش پدیدارشناسی در تحلیل تجارب بسیار سخت‌گیر است تا عناصر اساسی تجربه مشترک افراد را شناسایی کند (۲۳). در مطالعه فعلی هدف از پدیدارشناسی، به دست آوردن درک عمیق‌تری از تجربه افراد متقاضی طلاق؛ در مورد نشانه‌های طلاق قبل از رفتن افراد زیر سقف

جدول ۱. ویژگی‌های دموگرافیک مشارکت‌کنندگان در پژوهش

مشارکت‌کننده	سن	سن در زمان ازدواج (به سال)	مدت ازدواج	مدت آشنایی	مدت نامزدی	مدت عقد	نوع آشنایی
۱	۳۰	۲۳	۴ سال	۳ ماه	۶ ماه	۳/۵ سال	فامیلی
۲	۳۰	۲۰	۱۰ سال	۲ ماه	۴۰ روز	۰	شخصی
۳	۳۹	۳۱	۸ سال	۰	۱ ماه	۰	شخصی
۴	۳۰	۲۵	۵ سال	۱ ماه	۰	۸ ماه	معرفی
*۵	۲۵	۱۷	۴/۵ سال	نامعلوم	۵ ماه	۳ سال	فامیلی
۶	۳۵	۳۳	۲ سال	۰	۲ ماه	۰	معرفی
۷	۳۰	۲۰	۱۰ سال	۱ هفته	۰	۲ سال	فامیلی
۸	۲۵	۲۳	۲ سال	۳ سال	۰	۳ سال	فامیلی
۹	۳۲	۳۲	۸ ماه	یک هفته	۰	۰	اینترنتی
۱۰	۲۴	۲۴	۴ ماه	یک هفته	۰	۰	اینترنتی
*۱۱	۲۱	۱۹	۲ سال	۱ سال	۰	۰	شخصی
۱۲	۳۲	۳۰	۲ سال	۰	۲ ماه	۰	معرفی
۱۳	۲۹	۲۱	۸ سال	۱۰ روز	۰	۲ سال	فامیلی
*۱۴	۲۵	۲۵	۳ ماه	۱ سال	۰	۰	شخصی
۱۵	۴۲	۲۲	۲۰ سال	۰	۵ ماه	۰	فامیلی
۱۶	۵۵	۴۵	۱۰ سال	۱ ماه	۰	۰	معرفی

فامیلی	۳ سال	.	۲/۵ سال	۲ سال	۲۲	۲۴	۱۷
معرفی	۱۰ ماه	.	.	۵ سال	۲۰	۲۵	۱۸
شخصی	.	.	۱ سال	۴ ماه	۲۴	۲۴	*۱۹
فامیلی	.	۶ ماه	.	۲۵	۲۹	۵۴	۲۰
معرفی	.	.	۱ ماه	۱۰ سال	۳۵	۴۵	۲۱
فامیلی	۱ هفته	.	.	۱۴ سال	۱۹	۳۳	۲۲
شخصی	.	.	۱ سال	۱/۵ سال	۲۹	۳۲	*۲۳

* مشارکت کنندگان بدون اطلاع خانواده دوره آشنایی را طی کرده‌اند.

مسائلی باعث شد که آن‌ها تصمیم به ادامه رابطه بگیرند؟ سوالات خاصی که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرند عبارت‌اند از: شما برای یکدیگر چه جذابیت‌هایی داشتید؟ نحوه آشنایی شما چگونه بوده است؟ مدت‌زمان آشنایی، نامزدی و عقد شما چقدر طول کشیده است؟ چه مسائلی شما را برای ادامه دادن به رابطه با همسران ترغیب کرد؟ اولین بار کی به اختلافات خود پی بردید؟ اختلافات خود را چگونه حل و فصل می‌کردید؟ چه مسائلی شما را از یکدیگر دور ساخت؟

به موازات فرایند مصاحبه، یافته‌ها تحلیل شد. ضمن انجام مصاحبه صدای مشارکت‌کنندگان با اجازه قبلی ضبط می‌شد و صداهای ضبط شده به صورت متن‌های نوشتاری در می‌آمد. هر ایده یا مقوله‌ای که مشخص می‌شد به صورت منظم کدگذاری شد. روش مورد استفاده برای کدگذاری داده‌ها گام‌های اولیه مدل پدیدار شناختی متعالی Moustakas بود (۲۴). Moustakas از چهار گام یاد می‌کند: گام اول رویداد مهم، گام دوم کاهش پدیدار شناختی، گام سوم در نظر گرفتن تفاوت‌ها و گام چهارم ترکیب ساختن بافت و معنا (۲۴). تحلیل داده‌ها شامل چند بخش اصلی بود: سازمان‌دهی به اطلاعات، کدگذاری و یافتن موضوعات، الگوها و مقوله‌ها و تعیین معنای ماهوی. در مرحله اول تجزیه و تحلیل، قبل از قضاوت در مورد این که چه چیزی واقعی است و چه چیزی واقعی‌تر، اندکی تأمل شد و تمامی شواهد در سوالات پژوهش مورد بررسی قرار گرفت. این مرحله از پژوهش اپوخه (Epoche) نام می‌گیرد (۱۳). دومین گام در تجزیه و تحلیل داده‌ها تقلیل پدیده‌ها با استفاده از طبقه‌بندی بود. در درون

پژوهشگران ابتدا با مراجعه به معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری کرمان، مجوز انجام پژوهش را اخذ کرده و از سوی این معاونت به چند مرکز مشاوره و خدمات روانشناسی معرفی شدند. بعد از مراجعه به این مراکز، از مدیران فنی این مراکز درخواست شد تا با هماهنگی با واحد پذیرش، افرادی را که از سوی دادگاه خانواده برای مشاوره طلاق ارجاع می‌شوند به سمت پژوهشگران هدایت کنند. بعد از دسترسی به گروه نمونه، برای به دست آوردن اطلاعات از این افراد از مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شد. هدف از این نوع مصاحبه بیان باز مسئله است؛ که به افراد اجازه می‌دهد تا ایده‌ها و عقایدشان را با زبان خودشان بیان کنند (۲۳). مصاحبه نیمه ساختاریافته به این دلیل انتخاب شد؛ که به پژوهشگر اجازه می‌داد در صورت ارائه اطلاعات جدید از سوی مشارکت‌کنندگان به دنبال کردن این اطلاعات بپردازد. این‌ها موضوعاتی بود که در راهنمای مصاحبه پیش‌بینی نشد. زمان مصاحبه‌ها ۴۵ دقیقه تا ۱/۵ ساعت به طول انجامید؛ و راهنمای مصاحبه با استفاده از یک مصاحبه ساختگی پیش‌آزمون شد؛ در نتیجه برخی از سوالات مورد تجدیدنظر قرار گرفت و برخی دیگر نیز به لیست سوالات اضافه شد. سوالات مصاحبه بر روی زمینه‌های پویایی زوجین (الگوهای ارتباطی، نحوه بیان عواطف و نحوه حل تعارض)، مسائل فردی (سن، معیارهای ازدواج) و اجتماعی (ویژگی‌های فرهنگی، حمایت‌های اجتماعی) متمرکز بود. مصاحبه‌ها در محل کار مشاوران و روانشناسان در مراکز مشاوره طلاق انجام گرفت. سوالات اساسی که در این پژوهش راهنمای پژوهشگر بود عبارت‌اند از: نحوه آشنایی افراد باهم چگونه بوده است؟ چه

زمینه‌ساز تعارض و علل افزایشنده تعارض دسته‌بندی شد (جدول ۲).

۱- طبقه: عوامل زمینه‌ساز تعارض

۱-۱- دوران آشنایی و نامزدی (برخی تم‌ها صرفاً به دوران آشنایی مربوط می‌شوند و برخی هم بین دو دوره مشترک‌اند).

۱-۱-۱- زیر طبقه: نداشتن دوره آشنایی یا آشنایی محدود

یکی از مهم‌ترین عواملی که در مهیا ساختن زمینه طلاق دخالت داشت؛ نداشتن دوره آشنایی بود. هفت نفر از مشارکت‌کنندگان فرصت آشنایی با همسر خود را نداشتند، سه نفر در حدود یک هفته بوده است، یک نفر دوره آشنایی ده روزه را پشت سر گذاشته بود و سه مورد هم تنها به مدت یک ماه با یکدیگر آشنا بوده‌اند. نداشتن فرصت کافی برای آشنایی، زوجین را به ناگهان وارد رابطه‌ای ساخته بود که آمادگی آن را نداشتند.

«من تو خونه مادربزرگم دیدمش و ازش خوشم اومد. یه شناخت کلی از طایفه و خانواده داشتیم ولی از خودش نه. با خانواده‌اش صحبت کردیم. هفته بعدش قرار گذاشتیم رفتیم خواستگاری و هفته بعدترش هم عقد کردیم، کاملاً سنتی» (مشارکت‌کننده شماره ۷).

گاهی نیز سنت‌های نادرست خانواده در دوران نامزدی که شاید امروزه چندان کارآمد نباشند، فرصت شناخت را از مشارکت‌کنندگان سلب کرده بود.

«اخلاق مامانم طوری بود که نمی‌گذاشت نه من و نه خواهرم تا عقد نکردیم با شوهرمون بریم بیرون؛ یعنی اون موقع فرصت کافی نداشتیم که بشناسمش» (مشارکت‌کننده شماره ۵).

۱-۱-۲- زیر طبقه: ادامه دادن به رابطه علی‌رغم مخالفت خانواده

یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که در پژوهش حاضر به‌عنوان عامل زمینه‌ساز طلاق دخالت داشت، مخالفت خانواده با ازدواج طرفین در مرحله آشنایی بود. مشخص شد با اینکه رابطه آن‌ها در اوایل آشنایی مناسب و از ویژگی‌های خوبی

هر سؤال پژوهشگران ابتدا به دنبال عبارت و جمله کلیدی بودند؛ که مستقیماً به سؤالات پاسخ می‌داد. طبقه‌بندی شامل تفسیر و معنا کردن عبارت و جمله کلیدی، بررسی معانی آشکار شده، تکرار ویژگی‌های مشترک و درنهایت عرضه بیانیه‌ای آزمایشی در مورد علل زمینه‌ساز طلاق، برحسب ویژگی‌های تکرار شونده بود. زمانی که موضوعات شناسایی شد، پژوهشگران موضوعات را ارتقا داده و داده‌های تکراری و نامناسب را حذف کردند؛ سپس با نگاه کردن به آن‌ها از دیدگاه‌های مختلف، مرحله نهایی تحلیل را انجام دادند. پژوهشگران با نشان دادن الگوها و روابط بین تجارب مشارکت‌کنندگان، معنای عمیق‌تری به این تجارب بخشیدند. برای دستیابی به صحت و استحکام داده‌ها، پس از نوشتن متن مصاحبه‌ها مرور و بررسی آن‌ها تا زمان یافتن معنای نهایی تجربه مشارکت‌کنندگان ادامه داشت؛ این معانی در اختیار چند تن از مشارکت‌کنندگان و متخصصان خانواده قرار داده شد و یافته‌ها مجدداً از دید آن‌ها مورد بازنگری قرار گرفت.

جهت رعایت اصول اخلاقی، قبل از مصاحبه هدف از مطالعه و سابقه پژوهشگر برای مشارکت‌کنندگان عنوان شد؛ سپس موافقت آن‌ها برای ضبط مصاحبه جلب گردید؛ همچنین از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تا فرم رضایت آگاهانه را تکمیل نمایند. در مصاحبه پاسخ درست و غلط وجود نداشت؛ و هر زمان که مشارکت‌کنندگان احساس خستگی می‌کردند حق پایان دادن به مصاحبه را داشتند. قبل از شروع هر مصاحبه در خصوص اهداف مطالعه، اطمینان بخشی از محرمانه بودن اطلاعات و هویت مشارکت‌کنندگان اطلاع‌رسانی شد. برای حفظ محرمانه بودن اطلاعات به هر یک از مصاحبه‌ها یک کد اختصاص گردید. همه موارد مصاحبه از قبیل فایل‌های صوتی و دست‌نوشته‌ها در محل امنی نگاه داری شد.

یافته‌ها

تحلیل محتوای مصاحبه بعد از کدگذاری و طبقه‌بندی نشان داد؛ که در دوره‌های پیش از ازدواج پیش‌آیندهای ویژه‌ای برای طلاق وجود دارد؛ این پیش‌آیندها در قالب علل

دوستام که یکبار دیده بودندش، بهم گفتن این پسر عادی نیست و یه مشکلی داره باهاش ازدواج نکن؛ اما من دوستش داشتم و چیز بدی تو رفتارش نمی دیدم، برای همین به حرفهاشون توجهی نکردم» (مشارکت کننده شماره ۱۱).

۵-۱-۱- زیر طبقه: ورود به حریم خصوصی در مرحله نامناسب و اعتماد بیش از اندازه

یکی دیگر از عوامل مهم زمینه ساز تعارض در مرحله آشنایی، ورود به دنیای خصوصی یکدیگر و تبادل اطلاعاتی که بسیار خصوصی بود. این افراد بیش از اندازه به یکدیگر اعتماد داشته‌اند. این عوامل بعداً باعث افزایش تعارضها شده بود.

«حتی من رو مجبور به سکس تلفنی هم می کرد؛ یکبار هم ازم خواست که یک سی دی از عکس‌های شخصیم بهش بدم؛ یعنی در واقع من رو مجبور به این کار کرد» (مشارکت کننده شماره ۱۱).

۶-۱-۱- زیر طبقه: اعتیاد

اعتیاد یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه ساز طلاق در هر سه دوره ازدواج بود. طبق اظهارات مشارکت کنندگان یکی از عوامل مهمی که در زمان آشنایی تأثیر عمده‌ای داشت و بخشی از راهبرد جذب این افراد محسوب می شد، اعتیاد یکی از طرفین بود.

«اون زمان من اعتیاد به تریاک داشتم، آدم معتاد زمانی که چشمش به تریاک بیفته دیگه هیچی برایش مهم نیست. خانمم اون زمان برام تریاک میاورد منم خیلی از این شرایط راضی بودم» (مشارکت کننده شماره ۲۱).

۱-۲-۱- دوره عقد

۱-۲-۱- زیر طبقه: جهش در مراحل ازدواج

جهش در مراحل ازدواج از مهم‌ترین عوامل زمینه ساز طلاق بود. چهارده مورد از افراد مراسم عقد و عروسی را با یکدیگر برگزار کرده؛ و فرصت سازگاری و یا نزدیک شدن تدریجی به زندگی را نداشتند. یک مورد از مشارکت کنندگان هم تنها یک هفته فرصت طی کردن دوره عقد را داشته است. «ما در واقع دوران عقد نداشتیم و عقد و عروسیمون باهم بود» (مشارکت کننده شماره ۶).

برخوردار بود است؛ اما به تدریج رنگ باخته و افراد را به سمت طلاق سوق داده بود.

«پدرم راضی به این ازدواج نبود؛ می گفت این پسره چون بچه طلاقه ممکنه در آینده مشکلی براتون پیش بیاد، حتی به ما اجازه نمی داد باهم صحبت کنیم، چون راضی به ازدواجمون نبود؛ اما ما مانم می خواستش چون خواهر بزرگ ترم توی همین خانواده ازدواج کرده و خوشبخت هم شده بود؛ برای همین ما مانم خیلی قبولش داشت» (مشارکت کننده شماره ۱۳).

۳-۱-۱- زیر طبقه: توسل به دروغ‌گویی و پنهان کاری

یکی دیگر از عوامل عمده‌ای که زمینه ساز تعارضات بعدی زوجین می شد، اقدام به پنهان کاری و دروغ‌گویی در زمان آشنایی بود؛ که افشای این رازها به مرور افزایش تنش میان زوجین را در برداشت.

«کارت شناسایی بیمارستانش رو آورده بود که تاریخ تولد رو زده بود ۳۳؛ اما بعد از صیغه محرمیت فهمیدم بزرگتره یعنی پول داده بود تا برایش به کارت جعلی درست کنن و سنش رو ده سال کم کرده بود» (مشارکت کننده شماره ۲).

گاهی نیز این پنهان کاری‌ها در دوران نامزدی از سوی خانواده‌ها و با حمایت آن‌ها صورت گرفته و فرصت شناخت صحیح و تصمیم‌گیری را از طرف مقابل سلب کرده بود.

«یه روز که بیرون بودیم پسر برادر شوهرم گفت دیشب مامورا اومدن و عمو مسعود رو بردن؛ ولی پدرشوهرم سریع حواسمو با خیابون پرت کرد و گفت اونجا رو ببین، من هم که بچه بودم و حرف پسر برادرشوهرم رو باور نکردم. خیلی بهشون اعتماد داشتم، فکر نمی کردم بهم دروغ بگن. بعدش هم سریع اومدن من رو عقد کردن» (مشارکت کننده شماره ۵).

۴-۱-۱- زیر طبقه: کوری عاطفی

درگیری عاطفی با طرف مقابل مانع از دیدن ویژگی‌های منفی او شده و یا اینکه باعث شده بود؛ که به نشانه‌های منفی توجهی نکنند و یا از اهمیت آن‌ها بکاهند. «به من گفت می خوام تو رو برای خودم و به شیوه خودم تربیت کنم؛ اما من چون خیلی دوستش داشتم برداشت بدی از حرفش نکردم و چیزی بهش نگفتم. حتی فامیل‌ها و

۲-۲-۱- زیر طبقه: نادیده گرفتن نشانه‌های تهدید (کوری عاطفی)

یکی دیگر از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز طلاق در دوره عقد، نادیده گرفتن نشانه‌های تهدید از سوی طرف مقابل بود. افراد به دلیل وابستگی عاطفی که به طرف مقابل داشتند؛ از اهمیت این نشانه‌ها کم کرده و یا اینکه این نشانه‌ها را به کلی نادیده گرفته بودند.

«وقتی که فهمیدی مواد جابجا کرده چیکار کردی؟ هیچی خب، گفتم این‌ها مال گذشته‌ها بوده و الآن که این کارها رو نمی‌کنند. این کار رو هم به خاطر من کرده» (مشارکت‌کننده شماره ۵).

۳-۲-۱- زیر طبقه: خیانت عاطفی مرد

یکی از عواملی که در پژوهش فعلی یافت شد و زمینه‌ساز تعارض‌های بعدی بود، بروز خیانت‌های عاطفی آشکار و پنهان در دوره عقد بوده است.

«اون روز تو ماشین بودیم، یه ۲-۳ ماه از عقدمون گذشته بود، چند تا دختر داشتن می‌رفتن از تو کوچه، برا دخترا بوق زد و بد نگاهشون کرد. منم زدم تو دهنش و گفتم ازت انتظار نداشتم و از ماشین پیاده شدم» (مشارکت‌کننده شماره ۱۳).

۴-۲-۱- زیر طبقه: اختلافات خانواده‌های اصلی در دوران عقد

یکی از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر روی طلاق، اختلافات خانواده اصلی طرفین بود. این اختلافات اثر خود را تا مدت‌ها داشتند؛ این اثرات دیرپا یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز طلاق بود.

«یک ماه کامل قهر بودیم توی این یک ماه خانواده‌ها هم رفت‌وآمد نداشتن تازه بعد از آشتیمون هم رفت‌وآمد درستی نداشتن، هنوز هم باهم خوب نیستن» (مشارکت‌کننده شماره ۱۸).

۵-۲-۱- زیر طبقه: بی‌اعتبار سازی

تجربیات بی‌اعتبار کننده یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز تعارض در زوجین بود. بدترین تجربیات بی‌اعتبار کننده به صورت خشونت خانگی مشخص شد. «هیچ وقت با من بد دهنی نمی‌کرد بعد که عقد کردیم کم‌کم دیدم نه عوض شده

و برای اولین بار زد تو دهنم» (مشارکت‌کننده شماره ۱۷).
۲- طبقه: علل افزایش تعارض در دوران پیش از ازدواج

۲-۱- زیر طبقه: تداوم اعتیاد و عودهای مکرر

یکی از عوامل افزایش تعارض زوجین اعتیاد و عودهای مکرری است که بروز می‌کند. نتایج نشان داد، اعتیاد یکی از زوجین به اختلافات دیگر دامن زده و روابط زوجین را تیره می‌کرد.

«شوهرم نزدیک خونسون نونوایی زد. صبح زود می‌رفت. یک روز حدود ساعت ۹ صبح که رفتم بهش سر بزدم، وقتی رسیدم دیدم که داره با یه پسره توی نونوایی هروئین می‌کشه؛ وقتی منو دید شروع کرد به دعوا کردن و گفت چرا اومدی اینجا» (مشارکت‌کننده شماره ۱۸).

۲-۲- افشای دروغ‌ها و پنهان کاری‌های گذشته

یکی دیگر از عواملی که بر تعارض زوجین دامن می‌زد؛ افشای پنهان کاری و دروغ‌های یکی از زوجین بود.
 «تقریباً کمتر از یک سال از عقدمون گذشته بود، فهمیدم شوهرم ناس مصرف می‌کند. خیلی باهاش جنگیدم به خاطر ناس. بعد فهمیدم که یه محلولی هم می‌خوره. یه روز صبح رفتم دیدم یه چیزی داره می‌خوره، گفتم مسعود این‌ها چیه؟ گفت اینا داروی چاقیه، شوهرم لاغر بود. گفتم بده منم بخورم. وقتی خوردم بالا آوردم و خیلی حالم بد شد. خیلی بدمزه بود، تلخ بود. بعد خندیدم. بهش گفتم چرا از من پنهون کاری می‌کنی. من می‌دیدم که تو هر روز میری سر جعبه عقب ولی نمی‌دونستم چیکار می‌کنی، تو میومدی این‌ها رو بخوری. اون اولین پنهون کاریش بود که آشکار شد» (مشارکت‌کننده شماره ۵).

۲-۳- زیر طبقه: بروز خیانت در بدترین زمان ممکن

یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش تعارض در دوران عقد بروز خیانت در زمانی بود؛ که افراد با تعارضات دیگری دست به گریبان بوده‌اند. این اتفاق باعث تشدید تعارض‌های زوجین شده بود.

زنان بود؛ که افراد انگیزه‌های طرف مقابل را به صورت منفی تفسیر کرده بودند.

«توی اون مدت آشنایی مون بهش پنهونی پول می‌دادم؛ حتی پول خرید عروسی رو هم خودم دادم، پول جشن عروسی رو هم مادرم داد چون دوست داشت من رو تو لباس عروس ببینه؛ اما شوهرم بعدها می‌گفت شما همه خرج عروسی رو خودتون دادید چون می‌خواستید من رو فریب بدید و به بند بکشونید» (مشارکت‌کننده شماره ۱۶).

۲-۷- زیر طبقه: نادیده گرفتن ظاهر در زمان آشنایی و کوچک نمایی اهمیت آن

یکی دیگر از عوامل مهم افزایش تعارض زوجین، کوچک نمایی اهمیت ظاهر زن در زمان آشنایی بود. افراد تصور می‌کردند که می‌توانند با ظاهر طرف مقابل کنار بیایند، اما مرور زمان نشان داده بود که قادر به این کار نبوده‌اند.

«اون موقع بهش گفتم که من سنم خیلی بیشتره و خوشگل هم نیستم، ولی می‌گفت آدم باید سیرت زیبا داشته باشه صورت که مهم نیست؛ ولی الآن می‌گه تو از من بزرگتری و من نمی‌تونم باهات زندگی کنم. ولی من خیلی دوستش داشتم و دارم و الآن یک‌ساله که خواب و خوراک ندارم و زندگی شده گریه» (مشارکت‌کننده شماره ۱۲).

۲-۸- زیر طبقه: دخالت‌های نامناسب خانواده اصلی

یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش تعارض زوجین دخالت‌های نامناسب خانواده اصلی بود. خانواده‌ها به جای اینکه برای حل تعارض، زوجین را یاری کنند بر اختلافات آن‌ها دامن زده بودند.

«داداشش همیشه می‌گفت طلاق بگیر. با این که زن عقدی من بود براش خواستگار پیدا کرده بود. مادر زنم هم هیچ چیزیه‌ای نداد. به زمین داشتم فروختم وسیله خونه خریدم» (مشارکت‌کننده شماره ۷).

«یک روز که خونشون بودم دعوامون شد، منم گفتم می‌خوام برم خونه مامانم. خودش اومد منو رسوند. هیچ وقت این کار رو نمی‌کرد که تا بگم منو برسون خونه مامانم سریع منو برسونه ولی این دفعه سریع منو برد. بعد فهمیدم با یه دختره دوست بوده و منو برده خونه مامانم تا بتونه بره پیش دختره» (مشارکت‌کننده شماره ۱۵).

۲-۴- زیر طبقه: بی‌اعتبار سازی همسر با استفاده از خشونت کلامی و جسمانی

یکی دیگر از عوامل افزایش تعارض در دوران عقد، بی‌اعتبار سازی همسر با استفاده از خشونت کلامی و جسمانی بود. «خواهرش هم عقد کرده بود و طلاق گرفته بود؛ ولی به من هیچی نگفتن بعد از عقدمون باباش از دهنش دررفت و گفت. بعد من اومدم به خانومم گفتم چرا به من نگفتی که خواهرت هم طلاق گرفته، گفت اون موضوع به تو چه ربطی داره، گفتم خب اگه بهم گفته بودی به تحقیقی روت می‌کردم ولی بهم گفت برو گم شو از جلو چشمم» (مشارکت‌کننده شماره ۹).

۲-۵- زیر طبقه: ظهور و تداوم مشکلات مالی

ظهور و تداوم مشکلات مالی زوجین یکی دیگر از عوامل تشدید تعارض میان آن‌ها بود.

«خونه‌ای رو که چند سال برای ساختنش زحمت کشیده بودیم رو فروخت، می‌گفت خونه بهتری برات می‌سازم. بهش گفتم ما چند سال عقد کرده‌ایم و عروسی نگرفتیم به خاطر ساختن این خونه. من نمی‌تونم قبول کنم که این خونه رو بفروشیم. گفت بهترش رو می‌سازیم می‌خوام برم تو کار خرید و فروش ماشین. بعد کلی از پول خونه رو هم خرج کرد و فقط پول به زمین برامون موند؛ در صورتی که اوایل کلی طلا برا من خریده بود، ماشین داشتیم، خونه داشتیم. فروختشون و رسوندشون به یه زمین» (مشارکت‌کننده شماره ۵).

۲-۶- زیر طبقه: عدم تحمل قدرت مالی زن

برخی از تعارض‌ها به دلیل ضعف قدرت مالی مردان در برابر

جدول ۲. مقولات و تم‌های استخراج شده

طبقه	زیر طبقه	عوامل زمینه‌ساز تعارض
	آشنایی	نداشتن دوره آشنایی یا آشنایی محدود ادامه دادن به رابطه علی‌رغم مخالفت خانواده توسل به دروغ‌گویی و پنهان‌کاری کوری عاطفی ورود به حریم خصوصی در مرحله نامناسب و اعتماد بیش از اندازه اعتیاد تداوم سنت‌های فرهنگی ناکارآمد پنهان‌کاری خانواده جهش در مراحل ازدواج نادیده گرفتن نشانه‌های تهدید (کوری عاطفی) خیانت عاطفی مرد اختلافات خانواده اصلی در دوران عقد
	نامزدی	
	عقد	
علل افزایش تعارض در دوران پیش از ازدواج	در هر سه دوره	تداوم اعتیاد و عودهای مکرر نادیده گرفتن ظاهر در زمان آشنایی و کوچک نمایی اهمیت آن دخالت‌های نامناسب خانواده اصلی

بحث

تحلیل محتوای مصاحبه و کدگذاری مقوله‌ها نشان داد؛ متقاضیان طلاق در هر سه دوره آشنایی، نامزدی و عقد رویدادهایی را تجربه کرده بودند که زمینه‌ساز تعارض در زوجین بود. این رویدادهای به تنهایی ایجاد تعارض نمی‌کرد، بلکه به دنبال این رویدادها مسائل دیگری اتفاق افتاده بود؛ که به تعارضات زوجین دامن زده؛ و زوجین برای رفع این مسائل به راهبردهایی متوسل شده بودند؛ که به جای حل مشکلات، مسائل زوجین را تشدید کرده و نهایتاً منجر به تقاضای طلاق شده بود. این عوامل که در قالب علل زمینه‌ساز تعارض و افزایش تعارض دسته‌بندی شده‌اند، مورد تأیید پژوهش‌های پیشین می‌باشند؛ که در ادامه هر یک از این عوامل مورد بحث قرار می‌گیرند.

در پژوهش‌های انجام شده، از نداشتن دوره آشنایی و یا آشنایی محدود به‌عنوان یکی از عوامل زمینه‌ساز تعارض زوجین یاد شده است. در همین راستا Litzinger و Gordon بر این باورند که رابطه‌ای قوی بین مدت زمان آشنایی و سازگاری زناشویی بعدی وجود دارد؛ در نتیجه افرادی که دوره آشنایی طولانی‌تری دارند، سازگاری بیشتری خواهند داشت (۱۵). در پژوهش حاضر نیز نداشتن دوره

آشنایی و یا آشنایی محدود، یکی از مهم‌ترین عوامل زمینه‌ساز تعارض بود. همچنین یکی دیگر از عواملی که باعث تعارض میان زوجین می‌شد، تداوم آشنایی علی‌رغم مخالفت خانواده اصلی بود. این عامل در تعامل با ضعف سیستم حمایتی زوجین قرار می‌گرفت، زیرا از آنجا که زوجین به تنهایی مسئولیت انتخاب خود را پذیرفته بودند از حمایت‌های خانواده در مراحل بعدی محروم می‌شدند و یا این که حمایت کافی دریافت نمی‌کردند.

دروغ‌گویی و پنهان‌کاری در اوایل آشنایی و دوران نامزدی نیز یکی دیگر از علل زمینه‌ساز تعارض زوجین بود. زوجین در اوایل آشنایی اقدام به دروغ‌گویی و پنهان کردن اطلاعاتی کرده بودند که برای طرف مقابل اهمیت داشت. بعد از افشای این اطلاعات زوجین گرفتار مشکل شده بودند؛ با توسل به این شیوه است که افراد اطلاعات کاملی در مورد خود ارائه نمی‌دهند (۸). زوجین این کار را با اعتقاد به اینکه به حفظ رابطه آن‌ها کمک می‌کند انجام داده بودند (۸)؛ حتی بر این باور بودند که شاید همسرشان این مسئله را درک نکند. Bader و همکاران بر این باورند که دروغ‌های عاشقانه در فضای صمیمانه و توأم با احترام ممکن است به حفظ رابطه کمک کند (۱۷)؛ اما برخی از دروغ‌های مصلحت

شدن در برابر محیط بیرونی را کاهش می‌دهند (۲۶). در نتیجه تلاش‌های همسران برای درمان و یا پیشگیری از عود به شکست منجر می‌شود. در پژوهش فعلی هم این اتفاق روی داده بود.

همچنین تداوم برخی از سنن و فرهنگ‌های ناکارآمد نیز زمینه‌ساز تعارض شده بود. این سنت‌ها در برخی از موارد دوره نامزدی را مجاز نمی‌شمرد؛ یا اینکه در صورت پی بردن افراد به اینکه زوج مناسبی نیستند، اجازه خروج از رابطه را به آن‌ها نمی‌داد. در صورتی که پژوهش اسمعیلی و دهدست آن را عامل مهمی در موفقیت ازدواج می‌داند (۱۲). بسیاری از جنبه‌های فرهنگ مبتنی بر اصول و قواعدی است که هرگز به‌صورت واقعی آن‌ها را زیر سؤال نمی‌بریم و به چالش نمی‌کشیم. برخی از جنبه‌های فرهنگی ایستا و بدون تغییرند، برخی دیگر پویا و به زمان و مکان بستگی دارند با این حال بر روابط ما تأثیر می‌گذارند (۲۷). به نظر می‌رسد برخی از باورهای فرهنگی ایستا بوده و مناسب دوره فعلی نیستند؛ که یافته‌های این پژوهش هم بر این امر صحنه می‌گذارد.

تداوم پنهان‌کاری‌های خانواده در این مرحله از ازدواج یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی بود که زوجین با آن دست به‌گریبان بودند. خانواده‌های برخی از زوجین در ابتدای ازدواج مانع از دستیابی به اطلاعات خاصی شده بودند؛ در ادامه افشای این اطلاعات باعث ددرسهایی در روابط زوجین شده بود. پژوهش اسمعیلی و دهدست نیز بر وجود این عامل صحنه گذاشته است (۱۲). شاید بتوان گفت یکی از دلایل اصلی این ممانعت تمایل شدید خانواده به شکل‌گیری ازدواج و یا جلوگیری از گسستگی آن بوده است.

در این پژوهش، نداشتن دوره عقد یکی دیگر از عوامل زمینه‌ساز تعارض بود. برخی از زوجین دوره عقد را سپری نکرده بودند؛ به عبارت دیگر این افراد فرصت نداشتند تا با یکدیگر سازگار شوند. افرادی که تا پیش از این فرصت‌های زیادی برای شخص خودشان در اختیار داشتند؛ به یک‌باره آزادی‌های خود را از دست رفته می‌دیدند؛ و سود و زیانی که در رابطه خود می‌دیدند آن‌ها را از هم دور می‌کرد. همچنین اگر دیدگاه‌های سنتی در مورد مراحل رشد سالم خانواده را بپذیریم، جهش در مراحل ازدواج مانع از انجام تکالیف رشدی

آمیز ممکن است دقیقاً این کارکرد را نداشته باشند؛ در نتیجه منفی‌ترین نتیجه پنهان‌کاری از بین رفتن اعتماد است (۲۵). چیزی که در پژوهش فعلی هم نشان داده شد.

یکی دیگر از عوامل یاد شده در اوایل ازدواج، نادیده گرفتن نشانه‌های بد ارتباطی و فردی بود؛ که در پژوهش حاضر تحت عنوان کوری عاطفی دسته‌بندی شد. افراد علی‌رغم هشدارهای خانواده و اطرافیان؛ از ویژگی‌های نامناسبی که در رابطه آن‌ها وجود داشت چشم‌پوشی کرده بودند. افراد یا این نشانه‌ها را نادیده می‌گرفتند و یا امید تغییر آن را در آینده داشتند؛ علت این امر ناشی از ترس و نگرانی از گسستن و پایان یافتن رابطه بود.

ورود به حریم خصوصی و اعتماد بیش از اندازه به یکدیگر، نیز بعداً باعث بروز تعارض در رابطه زوجین شده بود. حریم خصوصی ویژگی و حالتی است که از مشارکت افراد دیگر در آن ممانعت به عمل می‌آید. به عبارت دیگر؛ به توانایی فرد برای حفظ اطلاعات در مورد خود و همین‌طور مکانیزم ابراز آن به‌صورت داوطلبانه مربوط است. در مرحله آشنایی عمدتاً مردان، زنان را به سمت مسائل جنسی سوق داده بودند؛ این مسئله علی‌رغم میل باطنی آن‌ها صورت گرفته بود و به اصطلاح شرم و حیا در مرحله نامناسبی زیر پا گذاشته شده بود. در روابط سالم شرم بهنجار را نباید شکست. شرم علامتی است که ما به‌طور غیرارادی با آن مواجه می‌شویم؛ همچنین اجازه می‌دهد که خود را پنهان کرده و در امنیت قرار بگیریم؛ اما در روابط برخی از افراد حاضر در پژوهش، در زمان نامناسبی اطلاعاتی خصوصی فرد و خانواده‌اش فاش شده بود (۸).

یکی دیگر از عواملی که قبل از ازدواج زمینه را برای طلاق فراهم کرده بود، اعتیاد افراد به‌خصوص مردان شرکت‌کننده در پژوهش بود. اعتیاد پیوند بسیار قدرتمندی با افراد دارد. بعد از شکل‌گیری پیوند با اعتیاد، اعتیاد بخشی از نیروی دیگر پیوندها مانند پیوند با همسر، کار، خانواده، بدن و آینده را از آن خود می‌کند و در نتیجه پیوند اعتیادی پیوند مستحکمی می‌گردد (۲۶)؛ بنابراین در چنین شرایطی همسران تهدید شده و نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. روابط درون دنیای اعتیادی به‌صورتی مدیریت می‌شوند که احتمال تسلیم

را برای اصلاح روابط بکار گرفته بودند؛ شکستی تمام‌عیار محسوب می‌شد؛ و زوجین را در بدترین وضعیت ممکن قرار می‌داد. Buss و Shackelford نیز بر این باورند که نارضایتی جنسی و تعارض زناشویی، در طول سال اول زندگی زوجین را مستعد خیانت می‌کند (۳۵). به‌طور مشابه Prins و همکاران نیز دریافتند که افراد در روابط ناشاد، تمایل بیشتری به روابط فرا زناشویی نشان می‌دهند؛ در نتیجه بیشتر درگیر این روابط می‌شوند (۳۱). این خیانت را باید متمایز از خیانتی دانست که در مراحل آشنایی و نامزدی روی می‌دهد، خیانت‌های اخیر احتمالاً بیشتر مسائلی فردی هستند تا ارتباطی؛ در خیانت‌های ارتباطی افراد برای جبران نیازهای ارضاء نشده در ازدواج، با گفتگوی صمیمانه در جستجوی روابط فرا زناشویی می‌باشند (۳۶). برای برخی از این افراد، داشتن یک رابطه طولانی‌مدت یا مجموعه‌ای از روابط کوتاه‌مدت، چیزی است که زندگی در یک ازدواج بی‌نتیجه و غیر رضایت‌بخش را قابل تحمل می‌کند. در برخی از زوجین متقاضی طلاق، این نوع خیانت در دوران عقد و بعد از دوره‌ای طولانی از رابطه نافرجام روی داده بود؛ هرچند منجر به بی‌ثباتی روابط، بی‌اعتمادی، افزایش تعارض و خسارت معنادار به احساس باهم بودن زوجین شده بود (۳۷)؛ اما فرد خاطلی از کرده خود پشیمان نبود.

ظهور و تداوم مشکلات مالی هم یکی دیگر از علل افزاینده تعارض میان همسران بود. همسران در میانه تعارض با مشکلات مالی مواجه می‌شدند؛ که این عامل نیز انرژی زوجین را برای حل موفقیت‌آمیز تعارض‌های قبلی از بین برده بود. در همین راستا پرووه ملی ازدواج نداشتن مشکلات مالی را یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های موفقیت در ازدواج می‌داند؛ این پروژه بر این باور است که داشتن درآمد بالای ۲۵۰۰۰ دلار در سال، ۳۰ درصد احتمال طلاق را کاهش می‌دهد. در صورتی که اکثریت افراد متقاضی طلاق حتی در این مرحله هم از مشکلات مالی رنج می‌برند (۳۸).

یکی دیگر از عواملی که بیشتر جنبه فرهنگی داشت، عدم تحمل قدرت و استقلال مالی زن از سوی مردان بود. این افراد در اوایل ازدواج تصور می‌کردند که قادرند با این مسئله کنار بیایند؛ اما بعد از ورود به زندگی نگرش‌هایی که در مورد

هر مرحله از زندگی می‌گردد؛ در نتیجه باید انتظار بحران در زندگی زناشویی را داشت. همراهی و همگامی زوجین در مرحله‌های خاصی از دوره‌های قبل از ازدواج از جمله دوره عقد این مزیت را دارد؛ که هر دو با وظایف مشابهی مواجه شده و تجارب مشابهی به‌دست می‌آورند (۲۸)؛ اما نداشتن دوره عقد آن‌ها را از برخی تکالیف رشدی محروم کرده و به یک‌باره آن‌ها را وارد زندگی مشترک می‌کند؛ در نتیجه باعث بروز اختلافاتی در رابطه زوجین می‌شود.

اختلافات خانواده‌های اصلی در دوره عقد نیز از علل زمینه‌ساز تعارض بود؛ که اثر خود را بر روابط زوجین بر جای می‌گذاشت. پژوهش Datta و همکاران نیز نشان می‌دهد؛ که تعارض با خانواده همسر در فرهنگ‌های جمع‌گرا موضوعی اساسی در زندگی است (۲۹). همچنین پژوهش قاسمی، اعتمادی و احمدی هم بر این مسئله تأکید دارد که یکی از عوامل بروز تعارضات زناشویی اختلاف خانواده‌های اصلی است (۳۰). از آنجا که رویکرد خانواده به زوجین یک رویکرد یک جانبه گرایانه است؛ و به جای آن که بعد از شکل‌گیری رابطه زوجی ما ببینند، نه من و تو، به تدریج شکاف من و تو را زیاد و زیاده‌تر کرده؛ که این امر به اختلافات زوجین و خانواده‌های آنان دامن می‌زند.

بروز بی‌اعتبار سازی عاطفی از سوی زنان؛ همچنین بی‌اعتبار سازی عاطفی و جسمانی به‌صورت کتک‌کاری از سوی مردان و یا زنان، زمینه را برای بروز تعارضات بعدی فراهم ساخته بود. بدترین شکل بی‌اعتبار سازی، کتک‌کاری است (۳۱). هرچند خشونت‌های خانگی اعم از عاطفی و جسمانی را می‌توان در این مقوله قرار داد (۳۲). اثرات منفی آزار روان‌شناختی، بر سلامت جسمانی و روانی زوج‌ها مشابه و حتی شدیدتر از اثرات بدرفتاری‌های جسمی است (۳۳)؛ که در پژوهش حاضر نیز این عامل یافت شد. همسران از نظر کلامی و عاطفی دست به بی‌اعتبار سازی یکدیگر می‌زدند. بر اساس مدل گسترش خود، افراد برای دست یافتن به اهداف خود، در جستجوی روابط نزدیک و صمیمانه هستند (۳۴)؛ در صورتی که اهداف خود را از دست رفته ببینند آشفته می‌شوند. در نتایج این پژوهش نیز این امر مشاهده شد.

همچنین بروز خیانت در زمانی که زوجین نهایت تلاش خود

نتیجه‌گیری

با این‌که به نظر می‌رسد نشانه‌های طلاق در برخی از زوجین از ابتدای دوره‌های ازدواج مشهود است، ولی به دلیل بعضی ملاحظات اجتماعی و فرهنگی پیشگیری از چنین ازدواج‌هایی چندان امکان‌پذیر نیست. چنانکه یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، ابتدا رویدادهایی در دوره‌های قبل از ازدواج زمینه تعارض را فراهم می‌سازند و بعد مسائل جدیدی به این تعارض‌ها دامن می‌زنند. زوجین به دلیل نداشتن مهارت‌های لازم به راهبردهایی برای حل این تعارضات متوسل می‌شوند که چندان کارآمد نیستند؛ بنابراین متولیان امور خانواده و ازدواج باید نسبت به این نشانه‌ها هشیار باشند؛ ولی به‌جای هشدار دادن در مورد احتمال طلاق، شاید بهتر باشد به افراد کمک کنیم تا آگاهی و مهارت لازم در نظارت و مدیریت دوره‌های قبل از ازدواج را کسب نمایند. چنین تأکید و آموزشی احتمالاً در زوجین امید و انگیزه ایجاد می‌کند؛ و منابع حمایتی آنان را تجدید کرده و ضمن افزایش شانس موفقیت ازدواج، باعث می‌شود زوجین از موفقیت خود لذت ببرند؛ بنابراین می‌توان ادعا کرد که استفاده از یافته‌های این پژوهش در مشاوره‌های پیش از ازدواج، می‌تواند به شکل‌گیری رابطه‌های زوجی پایدارتر و به تبع آن پیشگیری از تعارض‌های منتهی به طلاق کمک مؤثری بنماید.

تشکر و قدردانی

این مطالعه دارای کد اخلاقی E.A.97.9.26.01 می‌باشد. بدین‌وسیله پژوهشگران از افرادی که تجارب خود را در اختیار ما قرار دادند؛ همچنین دکتر عشرت کریمی افشار و مرکز مشاوره همدلی، راه نو و شادزی و تمامی کسانی که ما را در این راه یاری کردند تقدیر و تشکر به عمل می‌آورند.

تضاد منافع

در انجام مطالعه حاضر، نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی نداشته‌اند.

قدرت مالی زن داشتند مانع از تحمل این مسئله می‌شد. پژوهش‌های اخیر نیز نشان می‌دهند که باورهای مربوط به جنسیت همچنان در سازماندهی به روابط همسران نقش دارند (۳۵)، اما تشخیص این مسئله برای زوجین دشوار است (۳۹)، در مطالعه حاضر؛ افزایش قدرت مالی زن تهدیدی برای مردان سنتی محسوب شده و بر تعارضات دیگر دامن می‌زد؛ زیرا مردان معمولاً رویدادهای دیگر را هم تحریف کرده و به قدرت مالی زن نسبت می‌دادند.

نادیده گرفتن ظاهر در زمان آشنایی و کوچک‌نمایی اهمیت آن‌هم یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش تعارض در میان زوجین بود. زوجین مدت‌ها با خود بر سر ظاهر طرف مقابل درگیر بودند؛ اما درنهایت شکست‌خورده و تسلیم می‌شدند؛ این مسئله باعث تشدید تعارض می‌شد؛ زیرا عنوان کردن این مسئله برای طرف مقابل نوعی بی‌اعتبار سازی عاطفی محسوب می‌شد. بر اساس دیدگاه تکاملی، زیبایی یک شاخص مهم و قابل اطمینان از سلامتی و تولیدمثل موفقیت‌آمیز است. بر اساس تصورات کلیشه‌ای جذابیت، زیبایی به این دلیل مهم می‌باشد که حضور ویژگی‌های خوب را اطلاع می‌دهد؛ این عامل حداقل از دیدگاه مشاهده‌گر مهم است (۴۰)؛ همچنین این تصورات کلیشه‌ای افراد جذاب را از نظر شخصیتی افراد بهتری می‌داند (۴۱). برخی از مشارکت‌کنندگان در پژوهش اقدام به مقایسه همسر خود با دیگران می‌کردند و برخی دیگر گفتگوی درونی مبنی بر چندان آوردن او داشتند.

درنهایت یافته‌های مطالعه حاضر نشان داد؛ اگرچه معمولاً از خانواده‌های اصلی انتظار می‌رود که از سیستم نوپای خانواده جدید حمایت کنند؛ اما دخالت‌های نابجای سیستم خانواده اصلی به‌جای حل و فصل کردن مشکلات، به آن‌ها دامن زده و باعث تشدید آن‌ها می‌شود. پرووه ملی ازدواج نیز بر این عامل صحنه می‌گذارد (۳۸). از دیدگاه این پروژه سلامت خانواده اصلی ۱۴ درصد شانس طلاق را کاهش می‌دهد. اسمعیلی و دهدست هم بر این عامل تأکید دارند و یکی از عوامل افزایش تعارض را دخالت‌های خانواده اصلی می‌دانند (۱۲).

References

1. Bradbury TN, Fincham FD, Beach SR. Research on the nature and determinants of marital satisfaction: A decade in review. *J Marriage Fam* 2000; 62(4): 964-80.
2. Thornton A, Young-DeMarco L. Four decades of trends in attitudes toward family issues in the United States: The 1960s through the 1990s. *J Marriage Fam* 2001; 63(4): 1009-37.
3. Quinn WH, Odell M. Predictors of marital adjustment during the first two years. *Marriage & Family Review* 1998; 27(1-2): 113-30.
4. Clarke-Stewart A, Brentano C. A Review of "divorce: causes and consequences". *Am J Fam Ther* 2009; 37(5): 444-6.
5. Goldenberg H, Goldenberg I. *Family Therapy: An Overview*. 8th ed. USA: Cengage Learning; 2012.
6. Hajiloo N, Alizadehe Goradel J, Ghotbi M, Delavarghavam S. Comparison of love dimensions based on marriage duration between men and women married. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy* 2013; 4(1): 48-63. [In Persian].
7. Carr A. Evidence-based practice in family therapy and systemic consultation II. *J Fam Ther* 2000; 22(3): 273-95.
8. Helms SW, Sullivan TN, Corona R, Taylor KA. Adolescents' recognition of potential positive and negative outcomes in risky dating situations. *J Interpers Violence* 2013; 28(15): 3084-106.
9. Knobloch-Fedders LM, Knudson RM. Marital ideals of the newly-married: A longitudinal analysis. *J Soc Pers Relat* 2009; 26(2-3): 249-71.
10. Straus MA. Prevalence and effects of mutuality in physical and psychological aggression against dating partners by university students in 32 nations. *Family Aggression Conference*; 2008 Mar 18-19; Preston: University of Central Lancashire; 2008.
11. Arriaga XB, Foshee VA. Adolescent dating violence do adolescents follow in their friends', or their parents', footsteps? *J Interpers Violence* 2004; 19(2): 162-84.
12. Esmaeily M, Dehdast K. Expression of a conceptual pattern from the relations of the engaging period conflicts (before marriage) by marital satisfaction (after marriage). *Journal of Family Counseling and Psychotherapy* 2014; 4(3): 405-45. [In Persian].
13. Patton MQ. *Qualitative Research and Evaluation Methods*. 4th ed. USA: SAGE; 2014.
14. Janesick VJ. "Stretching" Exercises for Qualitative Researchers. USA: SAGE; 2011.
15. Litzinger S, Gordon KC. Exploring relationships among communication, sexual satisfaction, and marital satisfaction. *J Sex Marital Ther* 2005; 31(5): 409-24.
16. Leavitt JP. *Common Dilemmas in Couple Therapy*. USA: Routledge; 2010.
17. Bader E, Pearson PT, Schwartz J. *Tell Me No Lies: How to Face the Truth and Build a Loving Marriage*. Golden Books Adult Publishing; 2000.
18. Dean LR, Carroll JS, Yang C. Materialism, perceived financial problems, and marital satisfaction. *Family and Consumer Sciences Research Journal* 2007;35(3):260-81.
19. Moghadam VM. Economic restructuring and the gender contract. In: Marchand MH, Runyan AS. *Gender and Global Restructuring*. London, New York: Taylor and Francis Group; 2000.
20. Jensen R, Thornton R. Early female marriage in the developing world. *Gender & Development* 2003; 11(2): 9-19.
21. Liu H. Marital dissolution and self-rated health: age trajectories and birth cohort variations. *Social Science & Medicine* 2012; 74(7): 1107-16.
22. Carr D, Springer KW. Advances in families and health research in the 21st century. *J Marriage Fam* 2010; 72(3): 743-61.
23. Lee-Rife SM. Women's empowerment and reproductive experiences over the lifecourse. *Soc Sci Med* 2010; 71(3): 634-42.
24. Moustakas C. *Phenomenological Research Methods*. Thousand Oaks, CA: Sage; 1994.
25. Brown-Smith N. Family secrets. *Journal of Family Issues*. 1998; 19(1): 20-42.
26. Adams PJ. *Fragmented Intimacy*. New York: Springer; 2008.
27. Cross M, Papadopoulos L. *Becoming a Therapist: a Manual for Personal and Professional Development*. New York: Taylor and Francis; 2001.
28. Carter B, Mc Goldrick M. *The expanded family life cycle. Individual, Family and Social Perspectives*. Needham: Allyn and Bacon; 1999.

29. Datta P, Poortinga YH, Marcoen A. Parent care by Indian and Belgian caregivers in their roles of daughter/daughter-in-law. *Journal of Cross-Cultural Psychology* 2003; 34(6): 736-49.
30. Ghasmi S, Etemadi O, Ahmadi A. The effectiveness of cognitive-behavioral group therapy on reduction of negative emotions towards family in law and marital satisfaction. *Journal of Family Counseling and Psychotherapy* 2013; 2(4): 485-500. [In Persian].
31. Prins KS, Buunk BP, Van Yperen NW. Equity, normative disapproval and extramarital relationships. *Journal of Social and Personal Relationships* 1993; 10(1): 39-53.
32. Allen ES, Atkins DC, Baucom DH, Snyder DK, Gordon KC, Glass SP. Intrapersonal, interpersonal, and contextual factors in engaging in and responding to extramarital involvement. *Clinical Psychology: Science and Practice* 2005; 12(2): 101-30.
33. Amato PR. Reconciling divergent perspectives: Judith Wallerstein, quantitative family research, and children of divorce. *Family Relations*. 2003; 52(4):332-9..
34. Johnson SM. *The Practice of Emotionally Focused Couple Therapy: Creating Connection*. 2th ed. New York: Routledge; 2012.
35. Buss DM, Shackelford TK. Susceptibility to infidelity in the first year of marriage. *Journal of Research in Personality* 1997; 31(2):193-221.
36. Gladding ST. *Family Therapy: History, Theory, and Practice*. 6th ed. London: Pearson; 2014.
37. Agnew CR, Loving TJ, Drigotas SM. Substituting the forest for the trees: social networks and the prediction of romantic relationship state and fate. *J Pers Soc Psychol* 2001; 81(6): 1042-57.
38. University of Virginia, Institute for American Values. *The State of Our Unions: Marriage in 2012*. USA: National Marriage Project, Institute for American Values; 2012.
39. Mahoney A, Knudson-Martin C, Knudson-Martin C, Mahoney A. *Couples, gender, and power: Creating change in intimate relationships*. New York, NY: Springer Publishing Co; 2009.
40. Erber R, Erber M. *Intimate relationships: Issues, theories, and research*. Psychology Press; 2017.
41. Gottman JM. *What predicts divorce? The relationship between marital processes and marital outcomes*. Psychology Press; 2014.

Experience of Divorce Demandants before Marriage (Dating, Engagement, and Marriage): Phenomenological Analysis

Abbas Rahmati¹ , Habibeh Bahraminezgad²

Original Article

Abstract

Introduction: Due to the negative consequences of divorce, evaluation of the reasons inducing this phenomenon, is of great importance for therapists and researchers. The aim of this study was to examine the role of pre-marital events (dating, engagement, and marriage) in marital conflicts leading to divorce.

Method: This qualitative study was conducted using a phenomenological approach. The population of the study included all the people who had applied for divorce in 2016 and were referred by the family court to counseling centers across the city of Kerman. The sample consisted of 23 people who were selected using purposive sampling. Data were collected using semi-structured interviews, and analyzed using Moustakas method.

Results: Analysis of the interviews indicated that in pre-marital period, there were significant antecedents for divorce. These antecedents were classified into two main codes including underlying causes of conflicts and causes increasing conflicts.

Conclusion: The findings of this study can be useful for couples, therapists, and family counselors and should be considered in providing premarital counseling.

Keywords: Premarital course, Marital conflicts, Divorce

Citation: Rahmati A, Bahraminezgad H. **Experience of Divorce Demandants before Marriage (Dating, Engagement, and Marriage): Phenomenological Analysis.** J Qual Res Health Sci 2019; 8(1): 68-82. [In Persian]

Received date: 18.09.2016

Accept date: 30.04.2018

Published: 20.06.2019

1- Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Letters and Humanities, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

2- MA in Counseling Family, Shahid Bahonar University, Kerman, Iran

Corresponding Author: Abbas Rahmati, Email: abr288@gmail.com